جستار

روایت آنانی که از «بدون توقف» و «میدون» به وزارت رسیدند

از جام جم تا پاستور

به گفته غلامحسن‌نژاد تهیه‌کننده برنامه «بدون توقف»، «بخشی از معیارهای ما برای انتخاب مهمانان این است که جوان باشند و کمتر در قاب تلویزیون دیده شده باشند.» پارها، سریال‌ها و فیلم‌هایی سینمایی در سراسر جهان مورد توجه مردم قرار گرفته‌اند که یک رویداد سیاسی یا تحول و اتفاق مهم را پیش از وقوع پیش‌بینی و تصویرسازی کرده‌اند. پیش‌بینی‌هایی که در نوع خود بسیار عجیب هستند و هنوز این سوال پابرجاست که آنچه در فیلم‌ها و سریال‌ها گفته می‌شود، بر اساس اتفاق بوده یا تهیه‌کنندگانش از آینده خبر داشته‌اند؟ برنامه «بدون توقف» شبکه سه سیما از سال ۹۸ استارت دعوت از مهمانانی را زد که پس از پیروزی انتخاباتی رئیسی در قامت وزیر و مدیر ارشد دولت، راهی پاستور شدند. نکته جالب اینجاست که این مدعوین، نام آشنا نبودند و حتی گمنام هم محسوب می‌شدند. زیرا به گفته غلامحسن‌نژاد تهیه‌کننده برنامه «بدون توقف»، «بخشی از معیارهای ما برای انتخاب مهمان این است که مهمانان جوان باشند و کمتر در قاب تلویزیون دیده شده باشند.»

جهت‌گیری سیاسی عریان

این برنامه توسط خانه تولیدات جوان سازمان صداوسیما تهیه می‌شود، سازمانی که سیدمحمدحسین میری، رئیس فعلی آن یکی از همراهان علی فروغی رئیس فعلی شبکه سه در دوران ریاست وی بر بسیج سازمان صداوسیما نیز بوده است. بنابراین، گرایش سیاسی عوامل تولید و طیف فکری مورد علاقه آنان کاملا آشکار و عریان است. سنگینی وزنه اصولگرایان مدعو برنامه چنان در ذوق می‌زند که رضا غلامحسن‌نژاد، تهیه‌کننده برنامه در توجیه آن گفت: «ما از همه طیف‌ها مهمان داشتیم، شاید از جریان اصلاح‌طلب کم‌تر مهمان داشتیم که آن هم دلیلش نیامدن خودشان بوده است.»

مجری پایدارجی در ویترین برنامه

اگر نوع گرایش مجری هر برنامه سیاسی را «ویترین» تفکر حاکم بر آن برنامه بدانیم، کارنامه کاملا جناحی و تعلق خاطر پر رنگ مجری «بدون توقف» نیز معنادار می‌شود. اولین اجرای برنامه تلویزیونی «بدون توقف» را مهدی خانعلی‌زاده بر عهده داشت. او پیش‌تر، مدیر گروه روابط بین‌الملل و ترجمه در مرکز اسناد انقلاب اسلامی زیر نظر روح‌ا... حسینیان بود. حسینیان از اعضای سرشناس و شاخص جبهه پایداری بود. خانعلی‌زاده سابقه پنج سال دبیری گروه بین‌الملل خبرگزاری اصولگرای نسیم را نیز در کارنامه فعالیت‌های خود دارد. او درباره «بدون توقف» در مصاحبه‌ای گفته بود: «بدون توقف، تغییر روندی در برنامه‌سازی شبکه سوم سیما بود و ما حد قرم‌هایی را که در صدا و سیما وجود داشت، در قالب این برنامه شکستیم!» او تاکید کرده بود: «هدف این برنامه بیان شدن صحبت‌های مردم است. حرف‌هایی که مردم در تاکسی، دانشگاه و کافه با هم می‌زنند.»

تصادفی یا برنامه‌ریزی شده؟

آیا این رخداد عجیب را باید به حساب تصادفی بودن گذاشت یا استفاده از رسانه‌ملی برای جا انداختن فعالان سیاسی جوان و ناشناخته‌ای که برای ارتقای جایگاه سیاسی/ مقامی هدف‌گذاری شده‌اند؟ هرچند، تجارب پر شمار موجود و موارد مشابه متعدد در سپهر سیاسی ایران، نیاز به خسته کردن فکر و فسفرسوزی برای انتخاب پاسخ درست از میان این دو گزینه را منتفی می‌کند و نقش «اتاق فکر»ها در برجسته سازی رسانه‌ای نامنهدوانی که برای فردای پیروزی انتخاباتی در آب نمک خوابانده شده‌اند را یادآور می‌شود. عبدالملکی وزیر کار کنونی، از جمله مدعوین نامنهدو «بدون توقف» بود که یک شبه، ره صد ساله پیموده سوای این مهمانان نامنهدو و اغلب گمنام برنامه که در دولت رئیسی، پست‌های دولتی و کلیدی را عهده‌دار شدند، از دیگر مدعوین برنامه به مریم اردبیلی که مشاور امور بانوان شهردار تهران و سید محمدصالح هاشمی گلپایگانی دبیر کنونی ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌توان اشاره کرد.

عبدالملکی چطور وزیر شد؟

عبدالملکی وقتی هنوز وزیر نشده و فقط داور برنامه تلویزیونی میدون بود، در این برنامه گفت: اقتلاب اقتصادی دقیقا در همین نقطه است که مطرح می‌شود. ما در سال ۵۷ انقلاب سیاسی کردیم اما در حوزه اقتصاد انقلاب نکردیم فلذا تمام سه بعد نظام اقتصاد ما کماکان همان چیزی است که آمریکایی‌ها برایمان ترسیم کرده بودند. به عقیده من تازمانی که در نظام اقتصادی‌مان همچون نظام سیاسی‌مان انقلاب نکنیم، شرایط مبین است که هست؛ با رفت و آمد این دولت و آن دولت و آن وزیر و این وزیر هم چیزی تغییر نخواهد کرد. وی در رابطه با عدم تحقق شعارهای اقتصادی انقلاب اسلامی نیز افزود: بعضا افرادی می‌گویند ۴۲ سال از انقلاب گذشته اما چرا شعارهای اقتصادی تحقق پیدا نکرده، رفع فقر، بیکاری و... به هرحال مردم گله‌مندند و تحقق شعارهای اقتصاد انقلاب را مطالبه می‌کنند. پاسخ من به این افراد این است ۴۰۰ سال هم که بگذرد، اگر ما ساختارها را متحول نکنیم، ضوابط و فرهنگ اقتصادی را متحول نکنیم و... شرایط به همین منوال خواهد بود. آنچه او در آن روز بیان کرد به نوعی چراغ سبز و اعلام آمادگی برای جلوس بر کرسی وزارت اقتصاد بود.

نگاه

این شادی را نیاز داشتیم

ادامه از صفحه اول چه تصمیمی مبنی بر منع انجام یک کار یا تصمیمی مبنی بر اجرای انجام یک کار و تشویق و اجازه دادن انجام آن کار، موضوع بسیار مهمی است که می‌تواند فرصت‌ها را برای شادی‌های عمومی در جامعه فراهم کند. من هم به عنوان یک شهروند خوشحال شدم که در آوردگاه بزرگ جام‌جهانی در قطر، جمهوری اسلامی ایران هم حضور دارد و پرچم‌مان بالاست. فارغ از هر نتیجه‌ای که هم گیرند، حضور در این نوع میادین، نشان از قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ایران در عرصه فوتبال به عنوان پرطرفدارترین ورزش دنیاست. مجددا تبریک می‌گویم و این نکته را ول به خودم یادآوری کنم که هر کدام از ما ببینیم با انجام چه کارهایی می‌توانیم چنین فضای شادمانی را برای مردم ایجاد کنیم. فراموش نکنیم که شادی حق ماست، حق ماست، حق ماست.

یکی از رویکردهای اصلی دولت کاهش تورم در سال آینده و مقابله با افزایش قیمت‌ها بوده است؟ جهت‌گیری دولت در این زمینه همراه با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی است؟

ادعای کاهنده بودن تورم در بودجه سال آینده از نظر علمی یک ادعای به‌کلی بی‌اعتبار است. هنگامی که یک کشور در پنج دهه مستمر با تورم دورقمی مواجه است باید متوجه این نکته باشد که ریشه این ناتوانی در مهار تورم با همه ادعاهایی که مطرح می‌شود، چیست. از منظر اقتصاد سیاسی هنگامی که این ناتوانی آشکار، کشوری که از نظر ذخایر مادی در رتبه هفتم جهان قرار دارد را به این درجه از استیصال می‌رساند به دو دلیل عمده است. این دو محور نقصان‌های معرفتی و بحران‌های منفعتی هستند. انچه ما از منظر کارشناسی می‌توانیم انجام بدهیم این است که نقصان‌های معرفتی را آشکار کنیم و ببوند تجاهل یا ناتوانی بی یادگیری در فرایند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را با فساد‌ها و منافع شخصی نامالم و ضد توسعه و ضد مردمی را آشکار کنیم. پرسش اساسی در این زمینه این است که چرا با وجود اینکه تعداد واقعیت‌های محرز شده در زمینه الگوی تبیینی حکومت‌گران نشان‌دهنده فهم نادرست آنها از ریشه‌های تورم است اما همچنان روی عناصر بحران را تأکید می‌شود. بحران یادگیری تا زمانی می‌تواند قابل توجیه باشد که کارشناسان دلسوز با ادله و شواهد غیرقابل انکار که ویژگی مشترک آنها این است که متکی به گزارش‌های حکومتی هستند با این سوال مواجه شوند که چرا دولت‌ها به گزارش‌هایی که خودشان به صورت رسمی منتشر می‌کنند پشت می‌کنند و به آنها بی‌اعتنایی می‌کنند و در جهت خلاف عقل و فسادزایی و مشروعیت سوزی خود رفتار می‌کنند.

بازار گرایی مبتذل در عمل نقش سقوط بنیه تولیدی را در ایجاد تورم حذف کرده است. اگر حکومت بخواهد خود را متعهد به منافع تولیدکنندگان کند، نمی‌تواند با به این اندازه به رانت خورها و دلالان امتیاز بدهد

ریشه این نوع حرکت کجاست و چرا دولت‌ها به این سمت حرکت می‌کنند؟

این موضوعی است که از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل است. به‌طور مشخص در ۳۱ سال گذشته هر تصمیم و سیاست کلیدی که اتخاذشده است نتیجه حاصل شده با عکس آن چیزی بوده که وعده داده می‌شده و با این فاصله بسیار معناداری با آن وعده داشته است. به همین دلیل نیز ما با شکست سیاست‌گذاری در ۳۱ سال گذشته در زمینه اقتصادی مواجه هستیم. خطاهای اولیه متلازم با سال‌های ۶۹ و ۷۰ را می‌توان چنین توجیه کرد که در آن زمان فهم ناقصی در این زمینه وجود داشته و با ازافرادی استفاده شده که از تجربه کافی برخوردار نبوده‌اند. هنگامی که این شکست‌های سیاستی فاجعه ایجاد می‌کند و مستندات و گزارش‌های مواجه شده و هنوز به صورت کامل از این کشور خارج نشده‌اند. این حساسیت نسبت به نیروهای خارجی حاضر در منطقه پس از ترور شهید سلیمانی بیشتر شده است و این پرسش مطرح شده که آیا سایر پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه نیز در این ترور دخیل بوده‌اند یا خیر؟ در مقابل عربستان و امارات به دنبال ترمیم روابط خود با ایران هستند که می‌تواند در شورای همکاری خلیج فارس تاثیرگذار باشد. فقط به عنوان یکی از اعضای نیز این است که ما با بحران توزیع عادلانه قدرت و بحران توزیع عادلانه ثروت مواجه هستیم. تا زمانی که درباره این دو موضوع حیاتی چاره‌اندیشی نشود امکان برون‌رفت از این بحران‌ها وجود ندارد. طنز تلخ ماجرا این است که ما در طول ۳۱ سال گذشته با پنج دولت مواجه هستیم که روسای این پنج دولت درباره مسائل کلان مدیریت کشور باهم تفاوت دیدگاه دارند. با این وجود در پیگیری این رویکرد مشترک و فسادزا در فهم مسائل اقتصادی و در ناتوانی در یادگیری هر پنج دولت به‌صورت یکسان و مشابه به هم عمل کرده‌اند. به نظر می‌رسد زور برخی خیلی زیاد است که منافع غیرعادی خود در مناسبات غیر شفاف مانند تحریم‌ها را دنبال می‌کنند. به باور بنده ایران اسیر یک اتحاد سه‌گانه ضدتوسعه‌ای شده است. یک رکن این اتحاد سه‌گانه دولت رانتی کوتهنگر است. رکن دوم گروه‌های غیرمولد شامل رانت خورها، رها خوران و دلالان است و رکن سوم مروجان بازارگرایی مبتذل است. نکته تأسف‌آور این است که این گروه‌های پای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را نیز به این آلودگی بازکرده‌اند.

این اتحاد سه‌گانه چگونه شکل گرفته و چه پیامدهایی برای اقتصاد ایران داشته است؟

این اتحاد سه‌گانه در ۳۱ سال گذشته عنوان کرده که همه ماجرای بحران استمرار تورم دورقمی به کسری بودجه دولت مربوط می‌شود. این بزرگ‌ترین دروغی است که بازارگرایی مبتذل در سه دهه گذشته در ایران ترویج کرده است. هنگامی که این اتحاد به رغم این همه شواهد روی این عوامل اصرار می‌کنند به معنای این است که قصد دارند عناصر کلیدی و سرنوشت‌ساز از دید سیاست‌گذاران کنار برود و عناصر اختلال‌زا تبرئه شوند و یا از آنها حساسیت‌زدایی شود و از طریق دادن آدرس‌های اشتباه حکومت‌گران سالم و مردم را گیج کنند و در این بحران عدم شفافیت و شک‌های پی‌درپی که وارد می‌کنند بتوانند به مناسبت‌های رانتی خود ادامه بدهند. هنگامی که یک کشور به مدت بیش‌دهه با تورم دورقمی مواجه است، نشان‌دهنده سقوط بنیه تولیدی در چنین کشوری است. این در حالی است که ما بازارگرایی مبتذل در عمل نقش سقوط بنیه تولیدی را در ایجاد تورم حذف کرده است. اگر حکومت بخواهد خود را متعهد به منافع تولیدکنندگان کند نمی‌تواند به این اندازه به رانت خورها و دلالان امتیاز بدهد. موضوع دیگر این است که این عده تلاش می‌کنند نقش به‌غایت مخرب شوک‌های قیمتی در قیمت‌های کلیدی را نادیده بگیرند. این گروه با تمرکز افراطی بر نقش یگانه کسری مالی دولت در بحران تورم تلاش می‌کنند بانک‌های خصوصی و نقش مخرب آنها را دامن زدن به بحران‌های حاد اقتصادی را حذف کنند. اینکه مناسبات اقتصادی در کشور را به این اندازه به سمت مافیایی شدن حرکت می‌کند باید به‌اندازه کافی برای نهادهای نظارتی در کشور هشدار دهنده باشد. هنگامی که نهادهای مهم تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در کشور به شکل برخورد. ایران امروز از منابع انرژی خود در میادین مشترک نمی‌تواند استفاده کند زیرا تحریم‌ها اجازه سرمایه‌گذاری را به ایران نمی‌دهد و از سوی دیگر محدودیت‌های مالی برای ایران اجازه نمی‌دهد تا درآمد نقدی از صادرات انرژی خود داشته باشد. مشکل تحریم سبب شده تا ایران نتواند کالا را به صورت LNG استخراج کند. این نوع گاز امروز مورد نیاز اروپا و چین است. رسیدن به این نقطه نیازمند مشارکت خارجی در میادین گازی ایران است. اینکه دو کشور در یک میدان گازی سهم داشته باشند و یکی همچون قطر به مراتب استخراج بیشتری داشته باشد، با وجود اینکه جمعیت کم‌تری دارد، آثار مطلوبی بجا نمی‌گذارد. بنابراین باید به دنبال مسیرهای عادلانه‌تر و صادقانه‌تر بود. امروز مسیر ایران، عراق، سوریه به بهترین مسیر برای صادرات گاز به جهان است و از مسیری که آمریکا به اروپا گاز صادر می‌کند به مراتب نزدیک‌تر است. به همین علت آمریکا در یک مسیر دوراهی قرار گرفته است و نمی‌داند با این وضع چه کند. روسیه هم مشخصا از صادرات گاز ایران به اروپا خشنود نخواهد بود و به همین علت نیاز است تا گفت‌وگو کرد و با سایر کشورها به تفاهم رسید و مسیری را انتخاب کرد که به نفع همه طرف‌ها باشد.

ایران در این معادله چندوجهی در خصوص انرژی می‌تواند با قطر همکاری سیاسی و تجاری داشته باشد؟

قطر از مدت‌ها قبل‌تر دریافته بود که برای آنکه بتواند به‌رغم محدودیت‌های جغرافیایی خود تبدیل به یک قدرت شود لازم است تا نقش سیاسی فعالی در تحولات منطقه‌ای برعهده بگیرد. این از آن‌رو برای دوحه دارای اهمیت بود که این کشور کوچک اما دارای منابع قابل توجه انرژی، به شکلی در محاصره جغرافیایی عربستان و البته زیر سایه تجارت امارات متحده عربی قرار دارد. رقابت‌های معمول سیاسی اقتصادی از یک سو و شکاف ایدئولوژیک با این دو کشور از سوی دیگر قطر را وامی‌داشت تا به دنبال یک ایفای نقش مستقل‌تر باشد. راندازی رسانه‌ایی در ابعاد جهانی در این کشور نیز در راستای همین سیاست و قوی‌تر کردن ابزارهای سیاست ورزی و تأثیرگذاری بین‌المللی قطر بود. با این پیشینه قطر به خصوصا طی چهار سال گذشته تحولات بسیار مهمی را در عرصه بین‌الملل تجربه کرده‌اند که اوج آن عمیق شدن اختلافات دامنه‌دار آن‌ها با عربستان سعودی و قطع رابطه دو طرف بود. در چنین شرایطی است که سفر وزیرامور خارجه قطر به کشورمان را باید در راستای تلاش‌هایی بیشتر و مهم‌تر از روابط دوجانبه تفسیر کرد. به نظر می‌رسد در این میان به‌جز مساله روابط دوجانبه، مساله تقویت همکاری‌های سیاسی نیز مطرح است. مساله لبنان، مسأله یمن و همین طور میانجیگری بین ایران و آمریکا نیز در همین راستا انجام می‌شود. قطر پیش از این هم در بحث لبنان و تلاش برای میانجیگری بین گروه‌های لبنانی تلاش‌های جدی انجام داده بود. زمانی تمام گروه‌های لبنانی با دعوت قطر در این کشور به یک توافق مشترک رسیده بودند. هر چند عملا این اقدام پیشتر عربستان تحت عنوان توافق طائف بود و در عمل هم به تمام اهداف خود نرسید اما نشان می‌دهد که قطر هم علاقه‌مند به این مساله است و هم آشنا به موضوع. مخصوصا اینکه این کشور مایل است معادلات لبنان کمتر به دست بازیگران سعودی رقم بخورد. از همین روست که قطری‌ها ایران را در این شرایط هم به لحاظ دیپلماتیک نفوذ در لبنان و هم نزدیکی به مواضع همدیگر در برخی مسائل دیگر، به چشم یک متحد بالقوه در این معادله می‌بینند. از همین روست که سعی دارد تا با این رایزنی هم جبهه خود را تقویت کند و هم به راه‌حلی عینی‌تر برای مساله لبنان برسد. بنابراین زمینه برای همکاری در سایر حوزه‌ها نیز وجود دارد.

قطر پیش از این در بحث لبنان و تلاش برای میانجیگری بین گروه‌های لبنانی تلاش‌های جدی انجام داده بود. زمانی تمام گروه‌های لبنانی با دعوت قطر در این کشور به یک توافق مشترک رسیده

قطر در مسیر میانجیگری قرار گرفته است

فارغ از مساله میانجیگری در خصوص برجام، آیا دستور کار دیگری نیز وجود دارد که به قطر ارتباط داشته باشد که تا این میزان فعال شده است؟

در روزهایی قرار گرفته‌ایم که احتمال حمله روسیه به اوکراین بیش از گذشته شده و هر روز در این خصوص اخبار زیادی منتشر می‌شود و عملا یک جنگ لفظی گسترده میان شرق و غرب در این خصوص شکل گرفته است. اگر این جنگ رخ دهد مشخصا میزان صادرات گاز روسیه به اروپا کم می‌شود و اروپا با مشکل بزرگی در حوزه انرژی مواجه می‌شود. قطر در این میان به عنوان یک راه حل مطرح شده است و به علت اینکه قطر رابطه خوبی با آمریکا دارد، ممکن است به عنوان جایگزین روسیه برای تامین گاز اروپا مطرح شود. باید توجه داشت که قطر یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را دارد و در این حوزه پتانسیل زیادی دارد. با توجه به اینکه در خلیج فارس منابع گازی مشترکی با ایران دارند، می‌توان همکاری در حوزه انرژی با قطر داشت و از طریق عراق و سوریه گاز را به اروپا صادر کرد و مشخصا آمریکا نیز تمایل دارد تا از این طریق انرژی اروپا را تامین کند تا وابستگی اروپا به گاز روسیه کاهش یابد اما در این میان یک مانع بزرگ به نام تحریم‌ها وجود دارد که این قطر خوب را از ایران گرفته است. آن چه اینک بر چینش ارتباطات تجاری و اقتصادی اثر بیشتری می‌گذارد، مسائل سیاسی است، بنابراین ناگزیریم به فکر اقتصاد سیاسی منسجم و پایدار باشیم. از همان دور اول تحریم‌ها باید به این فکر می‌بودیم، اینک نوع ارتباط ما با دنیا، میتنی بر موضع گیری سیاسی کشورهای بزرگ نسبت به ما و موضع گیری ما نسبت به این کشورهاست. اگر هدف توسعه کشور باشد باید تاثیر و وزن مسائل سیاسی در مسائل اقتصادی کاهش یابد. امروز جهان در حال تغییر است، یعنی اکنون جهان در مرحله انتقالی است. قدرت‌های بزرگ دیروز دیگر آن قدرت و اقتدار را ندارند. زمانی جهان دو قطبی بود، بعد دوره کوتاهی تک قطبی شد و آمریکا قدرت بلامنازع جهان شد و اینک جهان در حال بازگشت به دوره چندقطبی است. باید بتوانیم خودمان را با توجه به روند حاکم بر تغییرهای جهان تنظیم کنیم و پاسخگوی نیازهای روزمان باشیم. ظرفیت‌های کشور کم نیست و موقعیت ژئوپلیتیک کشور بسیار بالاست، حضور نیروهای جوان در صحنه کشور هم یک فرصت بزرگ است. امروز بهترین موقعیت است تا از ظرفیت‌های خودمان که یکی از آنها انرژی است به بهترین شکل استفاده کنیم. مشخصا روس‌ها می‌خواهند قطب انرژی باشند اما ایران نیز می‌تواند با لغو تحریم‌ها از این عرصه سهم خوبی داشته باشد. قطر دبیرخانه اوپک گازی است و ایران نیز عضو اتحادیه گازی است. پس می‌توان همکاری خوبی در این عرصه داشت. روسیه نیز عضو این اتحادیه است اما ممکن است در آینده صادرات گاز این کشور به اروپا

تحریم‌ها فرصت طلایی انرژی را از ایران گرفته است

قطر پیش از این در بحث لبنان و تلاش برای میانجیگری بین گروه‌های لبنانی تلاش‌های جدی انجام داده بود. زمانی تمام گروه‌های لبنانی با دعوت قطر در این کشور به یک توافق مشترک رسیده

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

۳ عنصر ابتذال اقتصاد ایران را حذف کنید

اتحاد دولت رانتی، گروه‌های غیر مولد و مروج بازارگرایی مبتذل اقتصاد ایران را به این نقطه رسانده است

دولت مسائل حیاتی تولیدکنندگان را رها کرده و به دو پینگ بورس مشغول شده است

با بحران توزیع عادلانه ثروت و قدرت مواجه هستیم

با شوک‌درمانی نمی‌توان تورم را مهار کرد

ریشه اصلی تورم در پنج دهه گذشته نقصان‌های معرفتی و بحران‌های منفعتی است

برخی با فریب مانع از مشخص شدن ریشه‌های مشکلات می‌شوند

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا تورم و گرانی‌ها در سال آینده با توجه به سیاست‌های و تصمیمات اخیر دولت کاهش پیدا می‌کند؟ مهم‌ترین دلیل افزایش تورم در دهه‌های گذشته در کشور چه بوده و چه عواملی در دورقمی بودن تورم در پنج دهه اخیر در ایران تأثیرگذار بوده است. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر فرشاد مومنی اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر مومنی در این زمینه معتقد است: «در ۳۱ سال گذشته هر تصمیم و سیاست کلیدی که اتخاذشده است نتیجه حاصل شده با عکس آن چیزی بوده که وعده داده می‌شده و با اینکه فاصله معناداری با آن وعده داشته است. به همین دلیل نیز ما با فاجعه شکست فاجعه‌بار سیاست‌گذاری در ۳۱ سال گذشته در زمینه اقتصادی مواجه هستیم. خطاهای اولیه متلازم سال‌های ۶۹ و ۷۰ را می‌توان چنین توجیه کرد که در آن زمان فهم ناقصی در این زمینه وجود داشته و با ازافرادی استفاده شده که از تجربه کافی برخوردار نبوده‌اند. هنگامی که این شکست‌های سیاستی فاجعه ایجاد می‌کند و مستندات و گزارش‌های رسمی نیز فاجعه‌بار بودن شکست‌ها و ریشه‌های آنها را اعلام می‌کند اما همچنان این سیاست‌ها استمرار پیدا می‌کند، نشان‌دهنده این است که نوعی قفل‌شدگی در تاریخ پدیدار شده است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با توجه به سفرهای پی در پی مسئولان قطری به ایران روابط دوکشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایران و قطر در سال‌های اخیر روابط دوستانه و خوبی داشته‌اند و به همین علت رفت و آمدها به صورت طبیعی انجام می‌شد و همکاری‌ها در سطح بالایی قرار دارد. سفر اخیر وزیرخارجه قطر به تهران مشخصا برای تداوم همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف است. امروز در منطقه وضعیت تا حدودی متشنج شده است که نمونه آن را در یمن شاهد هستیم و مشخصا قطر و ایران به دنبال همکاری برای پایان دادن به جنگ یمن هستند. حملات امارات و عربستان به یمن در روزهای اخیر شدت پیدا کرده و این امر نگرانی‌ها را تشدید کرده است. از سوی دیگر پاسخ یمن به امارات شرایط را تغییر داده است و اثر آن بسیار گسترده بوده است. امارات در شوک قرار گرفته و در تلاش است تا شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و حتی سازمان ملل را بسیج کند تا بر یمن فشار بیشتری به‌واسطه این حمله وارد کند. این تقابل مشخصا بر کل خاورمیانه تاثیرگذار خواهد بود و احتمالا طرف ایرانی و قطری به دنبال راه حل و نوعی همکاری هستند تا این بحران را پایان دهند.

آیا مسائل منطقه‌ای دیگری در این دیدار مورد رایزنی قرار گرفته است؟

با توجه به اینکه امروز آمریکا در قطر پایگاه نظامی دارد و تعدادی از نیروهای آمریکایی در این کشور مستقر هستند، مساله حضور نیروهای خارجی در خاورمیانه نیز مطرح شده است که مشخصا ایران در این خصوص بر این باور است که باید کشورهای منطقه خودشان امنیت خودشان را برقرار کنند. این مساله به عراق نیز مربوط می‌شود زیرا حضور نیروهای آمریکایی در عراق نیز با اما و اگرهایی مواجه شده و هنوز به صورت کامل از این کشور خارج نشده‌اند. این حساسیت نسبت به نیروهای خارجی حاضر در منطقه پس از ترور شهید سلیمانی بیشتر شده است و این پرسش مطرح شده که آیا سایر پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه نیز در این ترور دخیل بوده‌اند یا خیر؟ در مقابل عربستان و امارات به دنبال ترمیم روابط خود با ایران هستند که می‌تواند در شورای همکاری خلیج فارس تاثیرگذار باشد. فقط به عنوان یکی از اعضای این شورا که رابطه خوبی با ایران دارد در این خصوص احتمالا مطالبی را مطرح کرده است.

امروز بهترین موقعیت است تا از ظرفیت‌های خودمان که یکی از آنها انرژی است به بهترین شکل استفاده کنیم. مشخصا روس‌ها می‌خواهند قطب انرژی باشند اما ایران نیز می‌تواند با لغو تحریم‌ها از این عرصه سهم خوبی داشته باشد

این احتمال وجود دارد که مقام قطری حامل پیامی برای ایران در خصوص برجام بوده باشد؟

با توجه به اینکه مذاکرات در وین با ۵ کشور ادامه دارد در این دیدار قطری‌ها مسائلی را مطرح کرده‌اند و احتمالا در آینده نیز آمریکا به جمع ۵ کشور مذاکره کننده در وین اضافه شود. به نظر می‌رسد که قطر در این زمینه واسطه شده و پیام‌هایی را رد و بدل می‌کند. اکنون که به دلایل مشخص، آمریکا بعد از خروج از برجام، برای بازگشت به این توافق ابراز تمایل کرده، طبیعتا سایر کشورهای بزرگ هم نظرانشان را اصلاح خواهند کرد و این اتفاق در منطقه هم منعکس خواهد شد. درست است که موضوع مذاکرات هسته‌ای، موضوع خاص کشور ما است و تلاش‌های قدرت‌های بزرگ خصوصا آمریکا ایجاد محدودیت در این زمینه بود اما ایران در مذاکرات گذشته توانست جلو غنی سازی را تثبیت کند. اینکه مناسب است کشورهای همسایه از اجمال این تحولات و گفت‌وگوها مطلع باشند تا لوا نقش ایران در منطقه را بیشتر مدنظر قرار دهند. تاسفا از این موضوع که ایران هیچ تصمیمی علیه آن‌ها اتخاذ نخواهد کرد و در جهت ایجاد امنیت، تفاهم و همکاری در منطقه گام خواهد برداشت، احساس آرامش کنند. باید توجه داشت که رویکرد اعتمادسازی ایران از اتخاذ تصمیمات منفی جلوگیری می‌کند. امروز به جای ایجاد نگرانی در منطقه باید به سمت ایجاد تفاهم و آرامش در منطقه حرکت کرد و طبیعتا این رویکرد ایران در رویکرد کشورهای خاورمیانه هم تاثیرگذار خواهد بود. مشخصا هر اندازه بتوانیم با کشورهای همسایه و دوستانمان در منطقه به رایزنی بپردازیم، کمک خواهیم کرد همسایگان ما هم مسائل خود را با ما در میان بگذارند و از اتخاذ تصمیمات منفی جلوگیری شود. از سوی دیگر ممکن است برخی کشورها از ایجاد شکاف و فاصله میان ایران و همسایگان سوءاستفاده کرده و تفسیرهای خود را به همسایگان القا کنند اما حضور ایران، در این رفت و آمدها و توضیحات و روشنگری از هر گونه سوءاستفاده‌های احتمالی سابرین جلوگیری می‌کند.

صباح زنگنه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران و قطر انرژی اروپا را تامین کنند؛ نه روسیه

آمریکا تمایل دارد انرژی اروپا را از طریق ایران و قطر تامین کند

قطر در مسیر میانجیگری قرار گرفته است

تحریم‌ها فرصت طلایی انرژی را از ایران گرفته است

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: وزیر خارجه قطر در جریان سفر به تهران و در دیدار با رئیس‌جمهوری ایران پس از بیان دعوت رسمی امیر قطر از رئیسی برای شرکت در اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز اذعان کرده است که قطر مصمم است تمام تلاش خود را برای افزایش سطح روابط با جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به کار گیرد و امیر قطر شخصا روند توسعه روابط بین دو کشور را پیگیری می‌کند. وزیر خارجه قطر خاطرنشان کرده است که قطر نیز در مورد اینکه حضور نیروهای خارجی در منطقه آثار منفی دارد با ایران هم‌نظر است و معتقد به این است که باید با اتکا به همکاری‌های منطقه‌ای مسیر صلح و پیشرفت را در پیش گیرند. علاوه بر موضوعات فنی ما بین و مساله حضور نیروهای خارجی در منطقه به نظر می‌رسد که موضوعات عراق، یمن و برجام نیز در دیدار مطرح شده‌اند و طرفین در خصوص این مسائل تبادل‌نظر کرده‌اند. در راستای بررسی این مسائل «آرمان ملی» گفت‌وگویی با صباح زنگنه، تحلیلگر ارشد مسائل منطقه داشته است که در ادامه می‌خوانید.

با توجه به سفر قطر به ایران و تمایل دو کشور برای افزایش سطح روابط با جمهوری اسلامی ایران و قطر تامین کند؟ جهت‌گیری دولت در این زمینه همراه با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی است؟

ادعای کاهنده بودن تورم در بودجه سال آینده از نظر علمی یک ادعای به‌کلی بی‌اعتبار است. هنگامی که یک کشور در پنج دهه مستمر با تورم دورقمی مواجه است باید متوجه این نکته باشد که ریشه این ناتوانی در مهار تورم با همه ادعایی که مطرح می‌شود، چیست. از منظر اقتصاد سیاسی هنگامی که این ناتوانی آشکار، کشوری که از نظر ذخایر مادی در رتبه هفتم جهان قرار دارد را به این درجه از استیصال می‌رساند به دو دلیل عمده است. این دو محور نقصان‌های معرفتی و بحران‌های منفعتی هستند. انچه ما از منظر کارشناسی می‌توانیم انجام بدهیم این است که نقصان‌های معرفتی را آشکار کنیم و ببوند تجاهل یا ناتوانی بی یادگیری در فرایند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را با فساد‌ها و منافع شخصی نامالم و ضد توسعه و ضد مردمی را آشکار کنیم. پرسش اساسی در این زمینه این است که چرا با وجود اینکه تعداد واقعیت‌های محرز شده در زمینه الگوی تبیینی حکومت‌گران نشان‌دهنده فهم نادرست آنها از ریشه‌های تورم است اما همچنان روی عناصر بحران را تأکید می‌شود. بحران یادگیری تا زمانی می‌تواند قابل توجیه باشد که کارشناسان دلسوز با ادله و شواهد غیرقابل انکار که ویژگی مشترک آنها این است که متکی به گزارش‌های حکومتی هستند با این سوال مواجه شوند که چرا دولت‌ها به گزارش‌هایی که خودشان به صورت رسمی منتشر می‌کنند پشت می‌کنند و به آنها بی‌اعتنایی می‌کنند و در جهت خلاف عقل و فسادزایی و مشروعیت سوزی خود رفتار می‌کنند.

ریشه این نوع حرکت کجاست و چرا دولت‌ها به این سمت حرکت می‌کنند؟

این موضوعی است که از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل است. به‌طور مشخص در ۳۱ سال گذشته هر تصمیم و سیاست کلیدی که اتخاذشده است نتیجه حاصل شده با عکس آن چیزی بوده که وعده داده می‌شده و با این فاصله بسیار معناداری با آن وعده داشته است. به همین دلیل نیز ما با شکست سیاست‌گذاری در ۳۱ سال گذشته در زمینه اقتصادی مواجه هستیم. خطاهای اولیه متلازم سال‌های ۶۹ و ۷۰ را می‌توان چنین توجیه کرد که در آن زمان فهم ناقصی در این زمینه وجود داشته و با ازافرادی استفاده شده که از تجربه کافی برخوردار نبوده‌اند. هنگامی که این شکست‌های سیاستی فاجعه ایجاد می‌کند و مستندات و گزارش‌های رسمی نیز فاجعه‌بار بودن شکست‌ها و ریشه‌های آنها را اعلام می‌کند اما همچنان این سیاست‌ها استمرار پیدا می‌کند، نشان‌دهنده این است که نوعی قفل‌شدگی در تاریخ پدیدار شده است. ریشه اصلی این قفل‌شدگی در سطح نظری نیز این است که ما با بحران توزیع عادلانه قدرت و بحران توزیع عادلانه ثروت مواجه هستیم. تا زمانی که درباره این دو موضوع حیاتی چاره‌اندیشی نشود امکان برون‌رفت از این بحران‌ها وجود ندارد. طنز تلخ ماجرا این است که ما در طول ۳۱ سال گذشته با پنج دولت مواجه هستیم که روسای این پنج دولت درباره مسائل کلان مدیریت کشور باهم تفاوت دیدگاه دارند. با این وجود در پیگیری این رویکرد مشترک و فسادزا در فهم مسائل اقتصادی و در